

برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبیات ۱۹۷۲ و گئورگ بوخنر ۱۹۶۷



هاینریش بُل
نان سال‌های جوانی

ترجمهٔ محمد اسماعیل زاده

- جهان‌نو -

فصل اوّل

روزی که هدویگ^۱ آمد، یک روز دوشنبه بود، و در این صبح دوشنبه، پیش از آنکه خانم صاحب‌خانه، نامه‌ی پدرم را از زیر در، داخلِ اتاق بفرستد، دوست داشتم مثل گذشته‌ها که هنوز در خوابگاه کارآموزی بودم و اغلب این‌کار را می‌کردم، پتو را روی سرم بکشم. اما صاحب‌خانه‌ام در راهرو صدا زد: "از خانه برایتان نامه رسیده." هنگامی که او نامه‌ی به‌سفیدی برف را از زیر در، داخل‌اتاق غلطاند هنوز سایه‌ی خاکستری رنگ در آن گسترده بود. با وحشت، سراسیمه از تخت برخاستم، چون به‌جای مَهر دایره‌ای شکل اداره‌ی پست، مَهر بیضی شکل پستِ راه‌آهن را تشخیص دادم.

پدرم که از تلگرام متنفر بود، در مدت این هفت‌سالگی که در این شهر

1. Hedwig